**(6) انتخاب خط و لسان بین الملی جهت ایجاد وحدت عالم انسانی میباشد**

* اتّحاد و اتّفاق عباد است لازال باتّفاق آفاق عالم بنور امر منوّر و سبب اعظم دانستن خط و گفتار یکد یگراست از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل یک لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و یک خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند تا عالم یک وطن و یک قطعه مشاهده شود (حضرت بهاءالله، اشراقات، اشراق ششم)
* از قبل فرموديم تکلّم به دو لسان مقدّر شد و بايد جهد شود تا بيکی منتهی گردد و همچنين خطوط عالم تا عمرهای مردم در تحصيل السن مختلفه ضايع نشود و باطل نگردد و جميع ارض مدينه واحده و قطعه واحده مشاهده شود (حضرت بهاءالله، کلمات فردوسیه)
* از جمله اوامر حضرت بهاءالله اينست که بايد جميع ملّت از اهل معارف و علوم اتّفاق کرده يک لسان انتخاب يا ايجاد نمايند و آن لسان عمومی باشد. و اين امر در کتاب اقدس چهل سال پيش نازل شده و مضمون آن اينست مسئلهء لسان بسيار مشکل شده زيرا لسان بسيار است و اختلاف حاصل شده بين جميع اقوام و طوائف و تا وحدت لسان حاصل نگردد ائتلاف مشکل و معاملات مختلّ است. هر انسان محتاج بلسانهای بسيار است تا بتواند بجميع بشر معامله و معاشرت و ملاقات نمايد و اين مستحيل است. زيرا آنچه تا حال در آکاديمی معلوم و مسلّم شده هشتصد لسان معيّن گشته و از برای انسان تحصيل اينهمه ممکن نيست. پس بهتر اينست يک لسان ايجاد و يا انتخاب شود تا آنکه لسان عمومی باشد. در اينصورت انسان بدو لسان محتاج است يکی لسان وطنی يکی لسان عمومی بلسان وطنی خودش با قوم خود گفتگو نمايد امّا بلسان عمومی با جميع عالم محاوره نمايد و محتاج لسان ثالث نميباشد و جميع بشر با يکديگر بدون مترجم الفت و مصاحبت مينمايند. حال اگر چنين چيزی بشود فی الحقيقه سبب راحت و آسايش و سرور جميع ملل عالم است. بعد از مدّتی مديده شخصی پيدا شد اين لسان اسپرانتو را ايجاد کرد فی الحقيقه زحمت کشيده خوب ايجادی کرده. لکن بجهت آنکه تأمين و ترويج آن لسان لازمست لهذا عموم ملّت از ارباب معارف بايد يک مجلس عمومی تشکيل دهند هر ملّتی نفسی را انتخاب نمايد اينها انجمنی بيارايند و معاونت آن شخص بکنند و لسان را از هر جهت اکمال نمايند تا آن لسان انتشار حاصل نمايد و لسان منتخب عموم ملل شود و بر ملّتی تعميم آن گران نباشد. زيرا حال بر بعضی گران و مشکل است ميگويند اين لسان را ما ايجاد نکرده ايم روس ايجاد کرده است لهذا تعلّق قلب چندان ندارند. امّا اگر همچو انجمنی تشکيل شود جميع اعضاء تصديق کرده اتمام و اکمال نمايند آنوقت جميع ملل بنهايت سرور قبول مينمايند. و تا آن لسان ترويج نشود راحت و آسايش آنطور که بايد و شايد برای بشر حاصل نميشود زيرا اختلاف لسان بسيار سبب اختلاف و سوء تفاهم است . مثلاً ميانهء آلمان و فرانسه چه تفاوتيست؟ تفاوت لسان است و بس. ميانهء شرق و غرب يک سبب اختلاف لسان است اگر جميع بشر بلسان عمومی تنطّق نمايند وحدت عالم بشر را خدمت مينمايند. لهذا شما لسان اسپرانتو را خيلی دوست داشته باشيد، چرا بدايت تأسيس است انشاءالله اکمال خواهد شد و جميع من علی الارض راحت خواهند گشت

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 34)

* اعظم مشروع اين قرن وحدت عالم انسانی است و همچنين وحدت لسان سبب الفت بين قلوب است سبب حصول اتّحاد است سبب زوال سوء تفاهم است سبب ظهور حقيقت است و سبب محبّت جميع بشر است و سبب تفهيم و تفهّم است که اهمّ امور در عالم انسانی است. هر فردی از افراد بشر بجهت وحدت لسان ميتواند بر افکار عموم بشر اطّلاع يابد بسبب وحدت لسان انسان ميتواند باسرار قرون ماضيّه مطّلع شود و بکمال سهولت تحصيل علم و فنون موجوده کند. زيرا در مدارس شرق و غرب اهالی بايد چند سال زحمت بکشند تا تحصيل السن نمايند اوّل بايد چهار سال تحصيل لسان نمايند تا مباشرت بعلم کنند. مثلاً شخصی از اهل هند يا ايران و ترکستان و عربستان بخواهد تحصيل فنّ طبّ نمايد بايد اوّل چهار سال تحصيل لسان انگليسی کند تا مباشرت بتحصيل طبّ نمايد. لکن کسی لسان عمومی داشته باشد در صغر سنّ آن لسان را تحصيل کند بعد بهر مملکتی رود بدواً بتحصيل علم مشغول شود. و امروز اگر نفسی ده زبان داشته باشد باز محتاج لسان ديگر است امّا اگر لسان عمومی باشد چقدر آسان ميشود. فی الحقيقه نصف حيات بشر بايد بتحصيل لسان صرف شود هر کس بخواهد در يکی از قطعات عالم سفر کند بايد ده لسان بداند تا بتواند با عموم معاشرت کند و تحصيل ده لسان يک عمر ميخواهد. امّا يک لسان عمومی انسان را از همهء اين مشقّت ها راحت ميکند خلاصه تفهيم و تفهّم منوط بلسان واحد است بايد تلميذ و معلّم وحدت لسان داشته باشند تا تفهيم و تفهّم حاصل شود. چه که در عالم انسان امری اعظم از تفهيم و تفهّم نيست تربيت صحيح منوط بتفهيم و تفهّم است تعليم علوم منوط باين است و اين است سبب تحصيل معارف عمومی و باين سبب انسان از هر امری واقف شود. پس اگر وحدت لسان باشد جميع افراد بشر بآسانی يکديگر تفهيم نمايند.

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص 39)

* يک لسانی ايجاد شود و آنرا جميع آکادمی های عالم قبول نمايند. يعنی يک کنگرهء بين المللی مخصوص تشکيل دهند و از هر ملّتی نمايندگان و وکلاء دانا در آن جمع حاضر گردند و صحبت و مشورت نمايند و رسماً آن لسان را قبول کنند و بعد از آن در جميع مدارس عالم تعليم اطفال کنند. تا هر انسان دو لسان داشته باشد يک لسان عمومی و يک لسان وطنی تا جميع عالم يک وطن و يک لسان گردد زيرا اين لسان عمومی از جمله اسباب اتّحاد عالم انسانی است

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص 126)

****